PDF Compressor Free Version



مرثیه‌ای برای درختان کومله

آتش در گلستان

آسیه ویسی، روزنامه‌نگار

ماجرای ما و جنگل‌های شمال کشور، ماجرای شگفتی است. از هر طرف که به تعطیلی بخوریم و فرقی هم نمی‌کند این تعطیلی به چه مناسبتی باشد، سر ماشین را کج! می‌کنیم به آن سمت؛ و حتی اگر در ترافیک جاده‌های شمالی گیر کنیم و در راه بمانیم، درهمان حوالی، بساط‌مان را پهن می‌کنیم. احتمالا برای جنگل‌های هیرکانی، همین نرسیدن‌ها و اتراق های میان راه، خیلی بهتر باشد. بهتر باشد، چرا که اگر پای‌مان به جنگل باز شود، اول کاری که می‌کنیم پهن کردن بساط کباب و روشن کردن آتش است. و این آتش، با تمام تذکراتی که جابه‌جا در نقاط مختلف جنگل نوشته و نصب شده، فقط و فقط در زیر درختان چندین صدساله افروخته می‌شود، انگار که دقیقا قصدی در بین باشد. و چنین است که درختی که این‌همه سال، خود را تا به امروز کشانده و آورده است؛ اگر آتش نگیرد و با سوختنش، جنگل را به خاکستر بدل نکند، از شدت دود و گرمای حاصل از آتش جوج! دچار خفگی شده و در نهایت خشک می‌شود. بر اساس آمار در طول هفت سال اخیر، ۱۱ هزار مورد حریق در عرصه‌های جنگلی و مرتعی ایران به ثبت رسیده است. حاصل این آتش سوزی‌ها، از بین رفتن بیش از ۱۲۵ هزار هکتار جنگل و مرتع بوده. در چهار ماه نخست همین امسال، ۷۴۹ مورد حریق در عرصه‌های طبیعی اتفاق افتاده و ۶۴۰۰ هکتار از ساحت جنگلی از بین رفته است.

کمتر از ۵ میلیون هکتار، از ۱۱ میلیون هکتار جنگل‌های ایران نیز، شامل جنگل‌های زاگرس می‌شود که در سال‌های اخیر، به دلیل فشارهای ناشی از بهره‌برداری‌های نادرست، بیش از یک میلیون و ۱۴۰ هکتار از این جنگل، ناپدید شده است. مابقی آن چه از جنگل های ما باقی‌مانده یا به اره‌ها سپرده شده‌اند یا برای چرای دام و ویلاسازی، در حال تراشیده شدنند.

هنوز... هنوز...

هنوز داغ زغال و خاکسترشدن جنگل‌های سرخدار را بر دل داریم. هنوزسوسک‌های چوب‌خوار در حال جویدن درختان زاگرس هستند؛ چنان که گویی دارند استخوان‌های ما را می‌جوند و صدای این جویدن، در گوش مان می‌پیچد. این‌هم از آتش سوزی دیروز در جنگل‌های کومله لنگرود. در اولین خبرها، فرماندار لنگرود اعلام کرد که آتش‌سوزی، عمدی است ، اما، در خبرهای بعد، رفته‌رفته فتیله عمدی بودن آن‌را پایین کشیدند و در نهایت، هم‌چنان که هنوز جنگل در حال سوختن و خاکستر شدن است، داستان عمدی بودن، خاموش شد و بی‌اثر. که اگر تاکیدی هم بر روی آن بشود؛ اول، یقه چه کسی را می‌توان گرفت ؟ و دوم، چه تاثیری در روند ماجرا خواهد داشت؟ سازمان محیط زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع و... تقریبا هیچ امکانی برای خاموش کردن آتش به شیوه‌ها و روش‌های نوین ندارند. معمولا در چنین شرایطی، تمام ارگان‌ها و نهادهایی مانند نیروهای نظامی که از امکانات مناسب برخوردارند، وارد عمل می‌شوند. اما یادمان نمی‌رود که در آتش‌سوزی جنگل‌های سرخدار هلی‌کوپترهای فراخوانده شده به بهانه تامین نبودن هزینه بنزین، از کمک به نیروهای آتش‌نشانی و سازمان جنگل‌ها و مراتع، سرباز زدند و به مقر خود بازگشتند. اکنون، جنگل‌های کومله لنگرود در حال سوختن است و تا مناطق مسکونی دامن کشیده است و مسئولان شهر، از ساکنان حوالی جنگل خواسته‌اند که خانه‌های خود را رها و آن ناحیه را تخلیه کنند. چنین بُعدی از آتش‌سوزی در ادامه آتش‌سوزی‌های سریالی جنگل‌های هیرکانی، آیا هنوز نتوانسته است این پیام مهم را به کل جامعه ایرانی و فرقی هم نمی‌کند مسئول یا غیرمسئول، عامی یا روشنفکر برساند که اکوزیست کهنسال ما در این جنگل‌ها به شدت و سرعت در حال نابودی است. و در عوض، ویلاها، جاده‌ها، بزرگ راه‌ها، و چراگاه‌ها در حال افزایش و گسترش‌اند؟ در واقع با توجه به آماری که اعلام شده، ما در حال از دست‌دادن ریه‌های این سرزمین هستیم، در وضعیتی که بودجه‌بسیار کمی برای سازمان محیط زیست و نیز سازمان جنگل‌داری و مراتع، اختصاص یافته و امکانات این هر دو سازمان بسیار اندک و فرسوده است. و البته دست‌های خرد و کلانی را هم که اره‌وار به جان این اکوزیست افتاده است، نباید از نظر دور داشت.

جنگل، تنها چوب نیست!

جنگل‌های هیرکانی، فقط، میراث باستانی و یادگارانی از روزگار گذشته نیست. جنگل، فقط چوب برای هیزم و زغال و یا برای تراشیدن و... نیست! جنگل‌های هیرکانی، با گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری، یک اکوزیست منحصربه‌فرد و بی‌مانند است. این جنگل‌ها، ریه‌های سرزمین ما هستند که در طول این چند سال اخیر، نفس‌های آن به شماره افتاده است. هر کس که دستی بر آتش و داغی در سینه دارد، بی‌شک با شنیدن افتادن آتش در جان جنگل، جان خود را در آتش احساس می‌کند. آنان که چنین داغی و حرارت سوزانی را احساس می‌کنند باید برخیزند، باید بتوانند و باید در این زمینه حرف بزنند. آن‌ها که داغ درختان زغال‌شده را در سینه دارند، باید این داغ را منتشر کنند. از آتشی که در گلستان سرزمین ما افتاده است.

گفت و گوی خبری

عضو شورای شهرستان زابل:

مردم از سوء تغذیه و بیماری‌های تنفسی رنج می‌برند



نماینده سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان‌ها با بیان اینکه مردم به خاطر امرار معاش آواره استان‌های دیگر می‌شوند، گفت: خشکسالی همه چیز را از ما گرفته است گورستان‌ها و خرابه‌های زابل پر از جوانان معتاد است. مردم از سوء تغذیه و بیماری‌های تنفسی رنج می‌برند و کودکان از گرسنگی جانی برای درس خواندن ندارند.

عزیز سارانی (نماینده سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان‌ها و عضو شورای شهرستان زابل) با تاکید بر اینکه این منطقه به شدت با مشکل کم‌آبی روبروست و روستاها بیش از شهرها درگیر این مساله هستند، به خبرنگار ما گفت: روستاهای منطقه لوله‌گذاری شده‌اند اما جاهایی که ضروری باشد؛ آب با تانکر فرستاده می‌شود.

عضو شورای شهرستان زابل با اشاره به بحران شدید گردوغبار در این منطقه افزود: نزدیک به ۲۰ سال خشکسالی پی در پی به بحران گردوغبار شدید در این منطقه دامن زده است. این گردوغبار به خصوص در موسوم بادهای ۱۲۰ روزه سیستان، زندگی را برای اهالی به شدت مشکل می‌کند و اکثر مردم این منطقه دچار بیماری‌های تنفسی سل، تنگی نفس و... هستند.

عضو شورای عالی استان‌ها، مشکل عدیده و بزرگ استان سیستان و بلوچستان را مساله بیکاری خوانده و گفت: هیچ کارخانه و کارگاهی در اینجا وجود ندارد. در گذشته مردم کشاورزی می‌کردند که دیگر با خشکسالی این‌هم ممکن نیست. از سال ۹۶ به بعد همه درآمدهای مردم از بین رفت و غیر از یارانه و کمک‌های کمیته امداد؛ ساکنان اینجا منبع درآمد دیگری ندارند.

وی ادامه داد: خشکسالی‌های پی‌درپی، ریزگردها و شن‌های روان همه چیز را از ما گرفته است و بیکاری موجب شده که در اکثر شهرها و روستاها جوانان به اعتیاد روی آورند.

عضو شورای شهرستان زابل با اشاره به بحرانی بودن مساله اعتیاد در این منطقه افزود: اگر شب‌ها به خیابان‌ها و خرابه‌های حاشیه قبرستان‌ها بروید، می‌توانید کارتن‌خواب‌ها و معتادان متجاهر را ببینید. بیکاری باعث همه این بدبختی‌ها و مشکلات شده است. در میان این کارتن‌خواب‌ها؛ زنان، کودکان و دختران هم دیده می‌شوند. ماده اصلی مصرفی اکثر معتادان نیز مواد مخدر صنعتی است که با آن خود را نابود می‌کنند.

سارانی با تاکید بر اینکه اعتیاد باعث نابودی و بیچارگی خانواده‌های سیستانی و بلوچستانی شده است، افزود: اکثر آنها، روزها مشغول جمع‌آوری زباله و گدایی هستند و بعضا در خرابه‌هایی که فاصله کوتاهی با شهر دارند، زندگی می‌کنند.

نماینده استان سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان‌ها با اشاره به شرایط تحصیلی کودکان شهرستان زابل و منطقه سیستان نیز افزود: در روستاها اکثر دخترها فقط تا پایه ششم ادامه تحصیل می‌دهند و بعد خانه‌نشین می‌شوند. از آنجا که امکانات کافی وجود ندارد و به علت تعصبات مذهبی، دختران در این منطقه از سن ۱۴ الی ۱۵ سالگی به بعد شوهر داده می‌شوند و در برخی روستاها نیز شاهد ازدواج دختران ۹ ساله هستیم.

عضو شورای روستای رشید با اشاره به شیوع سوءتغذیه شدید میان کودکان و با تاکید بر اینکه خود نیز به کار آموزشی اشتغال دارد، افزود: ما شدیداً با مشکل سوءتغذیه مواجه هستیم و شاهدیم که برخی دانش‌آموزان بدون صبحانه وارد مدرسه شده و تا ظهر که مدرسه تعطیل می‌شود چیزی برای خوردن ندارند. باید گفت اینجا شرایط وحشتناک است.

وی در پاسخ به این سوال که آیا مدرسه به آنها کمک نمی‌کند، گفت: مدرسه از کجا می‌تواند به آن‌ها کمک برساند؟ گاهی اوقات همکلاسی‌های بچه‌ها یا خودمان به آنها صبحانه کوچکی می‌دهیم تا جانی بگیرند. در گذشته امیدمان به شیری بود که در مدارس بخش می‌شد که آن را هم قطع کردند.

سارانی با بیان اینکه به علت این شرایط نامناسب، حاشیه‌نشینی در اطراف شهرهای زابل و زاهدان افزایش پیدا کرده است، گفت: مردم این منطقه برای امرار معاش، به استان‌های دیگر همچون استان گلستان، خراسان جنوبی و یزد مهاجرت می‌کنند و بیچاره، دربه‌در و آواره استان‌های دیگر می‌شوند.

عضو شورای استان سیستان و بلوچستان با بیان اینکه نمی‌تواند آمار دقیقی از روستاهای تخلیه شدن در منطقه سیستان ارایه دهد، افزود: نمی‌توانم دقیقا بگویم چه میزان از روستاها تخلیه شده‌اند اما در اطراف شهرستانِ هیرمند، منطقه‌ی قرقری و نیمروز در نزدیکی دریاچه خشک شده هامون؛ تقریبا از جمعیت خالی است.

نماینده استان سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان‌ها، شرایط خشکسالی و بحران آب در منطقه بلوچستان و چابهار را بحرانی‌تر عنوان کرده و افزود: آنها برای مصرف آب از هوتک (گودال سرباز مشترک میان حیوان و انسان) استفاده می‌کنند. آب این گودال‌ها به شدت آلوده است. اخیرا خبردار شدیم یکی از روستاییان به دلیل مصرف این آب، زالویی در گلویش گیر کرده بود. پزشکان مجبور شدند با عمل جراحی زالو را از گلویش بیرون آورند. سارانی با تاکید بر اینکه نبود زیرساخت‌ها؛ رفت و آمد را در این استان مشکل کرده است، درباره امنیتِ استان سیستان و بلوچستان گفت: ما مرز را محکم نگه داشته‌ایم البته مرز سیستان برای مدت‌های مدیدی است که بسته است و این‌طور نیست که بتوانند به داخل کشور نفوذ کنند.

از گوشه و کنار

مناسب‌سازی ۲۲ بوستان برای معلولان در دو سال آینده!
جایی برای دیده‌شدن



مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق معلولان گفت: مقرر شده تا ۲۲ بوستان تهران طی دو سال آینده برای استفاده معلولان از آبخوری و سرویس‌های بهداشتی مناسب‌سازی شود.

علی همت محمودنژاد گفت: به پیشنهاد انجمن حمایت از حقوق معلولان قرار شد ماده مربوط به مناسب‌سازی و دسترسی در تمام ساختمان‌ها و معاونت‌های عمرانی شهرداری تهران اجرا شود.

هم‌چنین مقرر شد معاونت عمرانی شهرداری استانداردهای لازم در خصوص دسترسی‌پذیری را فراهم کند. این دسترسی‌پذیری علاوه بر محیط‌های فیزیکی، شامل محیط‌های مجازی و رایانه‌ای و هم‌چنین کتابخانه‌ای شهرداری نیز خواهد شد. محمودنژاد گفت: هم‌چنین قرار شد که ۲۲ بوستان دیگر طی دو سال آینده برای معلولان از نظر ورودی‌ها، آبخوری و سرویس‌های بهداشتی قابل دسترسی باشند.

ابر و برف را نمی‌شود دزدید!



مدیر کل پیش بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی گفت: براساس اطلاعات هواشناسی امکان این که کشوری برف یا ابری را بدزد، وجود ندارد. وی افزود: کشوری نمی‌تواند، ابر بدزد، اگر این گونه بود پلیس آب، در آمریکا ایجاد نمی‌شد، چرا که ابرها را از دیگر کشورها می‌دزدیدند و دیگر نیازی به پلیس آب نبود و آن را حذف می‌کردند.

اگر ابری رطوبت کافی داشته باشد، برف و باران ایجاد می‌شود و گرنه، اصلا بارشی نخواهد داشت. ایران، مثل همه جهان، دچار خشکسالی‌های ممتداست. مدیر کل هشدار سریع و پیش‌بینی سازمان هواشناسی با اشاره به کشورهای عراق و ترکمنستان، ازبکستان و آسیای میانه، که درگیر خشکسالی هستند، تاکید کرد: خشکسالی موضوعی نیست که فقط کشور ما با آن مواجه باشد. مطرح کردن این مباحث غیر علمی، نه تنها مشکلی از ما حل نمی‌کند، بلکه موجب فاصله گرفتن از چاره‌اندیشی درست می‌شود. اگر فکر کنیم کشوری برف‌ها و ابرهای ما را می‌دزد و این موضوع صحت نداشته باشد به خطا رفته‌ایم. هنوز تکنولوژی وجود ندارد که بتواند جو را تغییر دهد. تولید گازهای گلخانه‌ای است، که اتمسفر را چنان تغییر داده، که با تغییر اقلیم مواجه شده‌ایم و دمای کره زمین یک درجه گرم‌تر، و همین یک درجه، باعث بروز خشکسالی‌های متمادی در کشورها شده است.

کمک‌هزینه تحصیلی دانش‌آموزان معلول، کم‌شد!



مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق معلولان از کاهش کمک هزینه تحصیلی معلول خبر داد و گفت: مدتی است دفترچه بیمه معلولان صادر و یا تمدید نمی‌شود. او هم‌چنین گفت: در حال حاضر صدور کارت با تأخیر چهارماهه مواجه است و هم‌چنین دفترچه های بیمه معلولان صادر و یا تمدید نمی‌شود و عدم پرداخت ودیعه مسکن نیز از دیگر مشکلاتی است که این افراد با آن مواجه هستند. هم‌چنین کمک هزینه تحصیلی دانش‌آموزان که در گذشته ۱۵۶ هزار تومان بود؛ در سال جاری کم شده است و دانش‌آموزان معلول نسبت به این موضوع معترض هستند. امیدواریم با کمک بهزیستی استان تهران این مشکلات برطرف شود.